

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن - المان

گم شده

طنزِ حلولِ عیدِ قربان

ساغر شکست و ، زاهدِ غدار گم شده
تسبیح ز دست ، صوفی مکار گم شده
عابد ، ز مسجد و ، ز کلیسا و ، هم کنشت
پیرِ مُغان ، ز خانهُ خمار گم شده
یوسف و شان ، فتاده به زندان امتحان
حُسن و متاع و ، رونقِ بازار گم شده
زاغان به جای بلبل و ، بلبل به جای زاغ
طاووس و قمری ، هر دو ز انظار گم شده
ای کبکِ خوشخرام ، خرامیدنت چه شد؟
کلمرغ و بوم ، دیدی و ، رفتار گم شده
از مکر چند ستمگرِ خودخواه و جاه طلب
باغ و بهار و ، دلبر و دلدار گم شده
بارید بس که مرمی و راکت ز آسمان
بید و چنار و ، سرو و سپیدار گم شده

معیوبِ جنگ و زخمیّ جنگ پر شده وطن
درمان جدا و ، نرس و پرستار گم شده
هر خانه پر مریض و ندارند چاره ای
داروی درد و ، چاره بیمار گم شده
آیا رسد زمانی که طفلان بی پدر
گویند که شکر ، خیلِ تفنگدار گم شده
از کشته پشته گشته و صحرای محشر است
بی سر همه به دار ، چو سردار گم شده
طالب برفت و ، عاید میهن به باد رفت
تریاک و چرس و مُرفین و کوکنار گم شده
گیسوی پرشکن که پریشان ، هرطرف
مشکِ خُتن ، ز قُطیّ عطار گم شده
از یک نگاه گوشه چشمان پرخُمار
رند و خراب و ساقیّ چوتار گم شده
حاجی به کعبه رفت ، که فرضی ادا کند
برگشت پابرهنه ، که پیزار گم شده
باری دگر برفت ، که جبران آن شود
بی ریش ، ریشی مانده و دستار گم شده
شیخ و چلی و قاضی و ملا و محتسب
دین در میان این همه دیندار گم شده
اشعار ما ، اگر شده لُج ، عیب ما مکن
پیراهنی که داشت ، ز اسرار گم شده
«نعمت» فتاده بی کس و بی کوی ، گوشه ای
یار و رفیق و خویش و وطندار گم شده
